

بررسی اختلاف طرق در روایت حفص*

قاسم بستانی**

چکیده

روایت حفص در حال حاضر، گسترده‌ترین روایت قرآنی در جهان اسلام به خصوص در شرق آن است، اما ظاهراً قرائت بدین روایت به آن آسانی (یا سادگی) که تصور می‌شود، نیست و این امر به طرق خلاف روایت حفص بر می‌گردد که هریک مشتمل بر موارد اختلافی خاص است و با توجه به منع خلط بین طرق در یک روایت، قاری موظف به رعایت موارد خلاف یک طریق تا انتهای قرائت خود می‌باشد؛ لذا پیش از هر چیز بر او لازم می‌آید که طرق خلاف و موارد اختلافی را بشناسد و بر یک یا چند طریق بدون خلط طرق قرائت کند. بدیهی است چنین کاری، از سهولت آموختن این روایت می‌کاهد و موجب می‌شود که قاری فقط یک یا دو طریق را برگزیند و از آموختن و خواندن به دیگر طرق محروم بماند و یا همه را بیاموزد، اما در قرائت با صعوبت عدم خلط طرق مواجه گردد.

در این مقاله سعی شده، ضمن معرفی طرق خلاف روایت حفص، موارد اختلاف، وجوه قرائت بدان موارد خلاف، با جمع‌بندی و آمارگیری از این وجوه بر اساس طرق و نیز مفهوم‌شناسی خلط و ترکیب طرق بیان گردد و در نهایت، ثابت نماید که قرائت به روایت حفص با در نظر گرفتن تمامی طرق خلاف در آن چندان ضرورت ندارد و می‌توان آنها را محدود نمود. لذا برای نیل به این هدف، روش خاصی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه: قرآن، قرائت، روایت، طرق خلاف، حفص.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۹/۲۸.

**دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز: ghostanee@yahoo.com

۱- مقدمه

قرائت قرآن کریم از دانش‌های نقلی است که از زمان نزول و عرضه شدنش بر مردم، سینه به سینه توسط پیامبر ﷺ به نسل‌های بعد رسیده است. چنین روشی، کم و بیش در بسیاری از کشورهای اسلامی رایج است.

تاریخ قرائت قرآن، خود دارای فراز و نشیب‌هایی است که مهم‌ترین آنها به وجود آمدن اختلاف در قرائت قرآن، قاریان متعدد و شیوه هر کدام در قرائت قرآن و نیز کتاب‌ها و تألیفات بسیاری در این خصوص و در نهایت ظهور دانش قرائت‌های قرآنی می‌باشد که برای آشنایی با این موارد، و همچنین ابعاد، اسباب و سایر مسائل مربوط به آن باید به کتب و مقالات مرتبط مراجعه کرد و در این مقاله فقط به یکی از مسائل آن به شرح زیر پرداخته می‌شود.

قرائت‌های مختلف از قاریان متعدد، از آنجا که به صورت مشافهه (زبانی) بوده و توسط شاگرد از استاد فراگرفته و به دیگران منتقل می‌شد، در مسیر خود، علاوه بر اختلاف با دیگر قرائت‌های قرآنی، خود نیز به جهت سهو یا اعمال نظر صاحبان روایت یا طریق یا به اختلاف خواندن خود صاحب قرائت بر شاگردانش دچار اختلاف شد (ر.ک: فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم). در این روند، اصطلاحاتی چون قرائت و قاری، روایت و راوی و نیز طریق و اداء به وجود آمد. سپس یکی از مسائل علم قرائت‌های قرآنی به ظهور رسید که نحوه جمع قرائت‌ها و روایت‌های مختلف قرآنی و حکم اختلاط میان قرائت‌ها و روایت‌های مختلف آن می‌باشد.

از جمله این قرائت‌ها، قرائت عاصم بن ابی النجود (م. ۱۲۷ ق) و روایت مشهور و شایع او، روایت حفص بن سلیمان (م. ۱۸۰ ق) می‌باشد. روایت حفص، همچنان که خواهد آمد، دارای طرق خلاف بسیاری است و برای خواندن بدین روایت، این سؤال‌ها مطرح است که این طرق کدامند؟ هر طریقی چه اختلافی با دیگر طرق دارد؟ آیا اختلاط طرق، در قرائت به روایت حفص، جایز است؟ آیا می‌توان روشی یافت که با خواندن به آن روش، از محذور «خلط طرق» دور ماند؟ سؤال اخیر در حقیقت، سؤال اصلی این مقاله است که تلاش می‌شود ضمن آشنایی با طرق خلاف حفص، منابع و وجوه اختلاف آن و دیگر مباحث مرتبط و بر مبنای مدهای منفصل، روشی ارائه شود تا چنانچه بر عدم خلط طرق خلاف حفص اصرار شود، بتوان با آن روش، علاوه بر جمع میان تمام وجوه اختلافی حفص، از محذور «خلط طرق» به دور ماند.

۲- فرق میان قرائت، روایت و طریق

اگر نحوه قرائت قرآن به شکل خاصی به یکی از ائمه قرائت قرآن منسوب شود، بدان «قرائت» گفته می‌شود مانند قرائت عاصم و قرائت نافع از قراء سبعة. به صاحب قرائت، در این صورت «قاری» گفته می‌شود. و اگر آن قرائت، توسط شاگرد آن قاری نقل و بیان شود، بدان «روایت» و به آن شاگرد، «راوی» گفته می‌شود، مانند حفص و شعبه که راویان قرائت عاصم هستند و ورش و قالون که راویان قرائت نافع می‌باشند. حال اگر این روایت، توسط شاگرد راوی نقل و عرضه شود، بدان «طریق» و به آن شاگرد، «صاحب طریق» گفته می‌شود. همچنین به تمام افرادی که پس از راوی، قرائتش را نقل و عرضه کنند و یا به کتاب‌هایی که چنین نمایند، مانند «السبعة» ابن مجاهد (م. ۳۲۴ ق)، «التیسیر» دانی (م. ۴۴۴ ق)، «الشاطبية» شاطبی (م. ۵۹۰ یا ۵۹۱ ق) و «النشر» ابن جزری (م. ۸۳۳ ق) طریق گفته می‌شود (موسوی، ۱۳۸۱ش: ۱۴-۱۳؛ بستانی، افراد و جمع قرائت‌های قرآنی، ۲۹). به هر حال، از آنجا که صاحبان کتب نیز در کار خود بر «نقل» تکیه دارند، می‌توان گفت که تمام طرق به هر شکلی که باشد، در نهایت بر افراد و ناقلان متکی می‌باشند.

۳- نحوه خواندن قرائت‌ها، روایت‌ها و طرق

پس از ظهور اختلاف در قرائت‌ها و نیز در روایت‌های هر قرائت و طرق در هر روایت، این مسئله مطرح گشت که با علم و آگاهی نسبت به این اختلاف‌ها، آیا می‌توان قرآن را در هر ختمی یا قرائتی، با ترکیب و خلط بین این اختلاف‌ها خواند یا باید آن را بر اساس یک قرائت، روایت یا طریق، بدون ترکیب و خلط خواند. در پاسخ به این پرسش، سه نظر ارائه شده است:

۱. جواز ترکیب و خلط یا تلفیق به طور مطلق.

۲. عدم جواز ترکیب و خلط یا تلفیق به طور مطلق.

۳. جواز ترکیب در تلاوت و عدم جواز ترکیب و خلط در روایت در مواردی که دو قرائت از حیث معنا بر هم مترتب نباشند^[۱] و إلا عدم جواز جمع به طور مطلق^[۲] (صفتی، ۲۰۰۵ م، ۱۸ به بعد؛ ابن جزری، بی‌تا: ۲ / ۱۹۹-۲۰۱؛ بستانی، افراد و جمع قرائات قرآنی، ۱۳۷۵ش: ۵۶ - ۵۳).

این روش، مربوط به ابن جزری است؛ هر چند در نهایت، وی چنین جمعی را از سوی آشنایان به علم قرائت، عیب می‌داند (نه مکروه یا حرام).

کسانی که بر عدم ترکیب در طرق خلاف حفص، اصرار دارند، در حقیقت از معتقدان به مورد دوم می‌باشند.

۴- منبع و طریق اصلی طرق خلاف حفص

تا آنجا که مؤلف این مقاله آگاهی دارد است، منبع و طریق عمده کُتبی که در خصوص طرق خلاف حفص نوشته شده است، از جمله کتب طرق خلافی که در این مقاله از آنها استفاده شده، کتاب «النشر فی القراءات العشر» از ابن جزری است. وی علاوه بر محدث و مفسر بودن و آشنایی داشتن به علوم اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین قاریان عصر خود و نیز از بزرگ‌ترین محققان و مؤلفان با ده‌ها تألیف در علم قراءات مانند «منجد المقرئين»، «تحریر التیسیر فی القراءات العشر»، «التمهید فی التجوید»، «الاهتداء إلى معرفة الوقف و الابتداء»، «غایة النهایات فی أسماء رجال القراءات»، ... و بالاخره «النشر» می‌باشد (کحاله، بی‌تا: ۲۹۲/۱ - ۲۹۱). وی کتاب ارزشمند اخیر یعنی «النشر» را به اتکای ۵۶ کتاب معتبر از جمله «التیسیر» و «الشاطیبه» نوشته است (ابن جزری، النشر، بی‌تا: ۱/ ۹۸ - ۵۸) و به همین جهت، این کتاب از مهم‌ترین کتب تألیف شده در فن قراءات شناخته می‌شود.

۵- منابع و مآخذ «النشر» در طرق خلاف حفص

«النشر» طرق خلاف حفص را بر اساس منابع متعددی استخراج کرده است. (ابن جزری النشر، بی‌تا: ۱/ ۱۵۸-۱۵۲؛ ضباع، رفع الألفاظ؛ صفی، صریح النص) این منابع عبارت است از:

- ۱- «التذکره فی القراءات الثمان» از ابن غلبون، طاهر بن الامام بن طیب (م. ۳۹۹ ق).
- ۲- «الروضة فی القراءات العشر و قراءة الأعمش» از أبوعلى مالکی، حسن بن محمد (م. ۴۳۸ ق).
- ۳ و ۴- «التیسیر فی القراءات السبع» و «جامع البیان»^[۳] از دانی، أبوعمر و عثمان بن سعید (م. ۴۴۴ ق).
- ۵- «التذکار فی القراءات العشر» از ابن شیطا، عبدالواحد بن حسین (م. ۴۴۵ ق).
- ۶- «الوجیز فی القراءات العشر» از اهوازی، حسن بن علی (م. ۴۴۶ ق).
- ۷- «المستنیر فی القراءات العشر» از ابن سوّار، احمد بن علی اهوازی (م. ۴۹۶ ق).
- ۸- «الجامع فی القراءات العشر و قراءة الأعمش» از ابن فارس الخیاط، علی بن محمد (م. ۴۵۰ ق).
- ۹- «الکامل فی القراءات العشر و الأربع الزائدة علیها» از هذّلی، یوسف بن علی (م. ۴۶۵ ق).
- ۱۰- «روضة الحفاظ فی القراءات السبع» از المعدّل، اسماعیل بن حسین (م. ۴۸۰ ق یا اندکی پس از آن).
- ۱۱- «تلخیص العبارات بلطیف الإشارات فی القراءات السبع» از ابن بَلیمه، حسن قیروانی (م. ۵۱۴ ق).

- ۱۲- «التجريد في القرائات السبع» از ابن الفَحَّام، عبدالرحمن بن عتيق صِقْلَى (م. ۵۱۶ ق).
 ۱۳ و ۱۴- «الإرشاد في القرائات العشر» و «الكفاية الكبرى في القرائات العشر» از أبوالعزّ
 قَلَانَسِي، محمد بن حسين (م. ۵۲۱ ق).
 ۱۵ و ۱۶- «المبهبج في القرائات الثمان و قراءة الأعمش و ابن محيصن و اختيار خلف و
 يزيدى» و «الكفاية في القرائات الست» از سبط الخيَّاط، محمد بن عبدالله بغدادى (م. ۵۴۱ ق).
 ۱۷- «المصباح [الزاهر] في القرائات العشر البواهر (يا: المصباح في القرائات الصحاح)» از
 شَهْرُزُورِي، مبارك بن حسن (م. ۵۵۰ ق).
 ۱۸- «غاية الاختصار في قرائات العشرة أئمة الأمصار» از أبوالعلاء همذاني، حسن بن
 أحمد عطَّار (م. ۵۶۹ ق).
 ۱۹- «الشاطبية (قصيدة) لاميّه به نام اصلی: حرز الأمانى و وجه في القرائات السبع» از
 شاطبى، قاسم بن فيره (م. ۵۹۰ یا ۵۹۱ ق).

۶- اصحاب اصلی طرق حفص

ابن جزرى روايت حفص را از دو طريق ذيل برگزيده است:
 الف) طريق عُبيد بن صباح بن أبى شريح بن صبيح (م. ۲۱۹ ق) که خود از طريق ۱-
 هاشمى، على بن محمد (م. ۳۶۸ ق) و ۲- أبوطاهر، عبدالواحد بن عمر (م. ۳۴۹ ق) از اُشنانى،
 احمد بن سهل (م. ۳۰۷ ق) از عُبيد مى‌باشد.
 ب) عمرو بن صباح بن صبيح (م. ۲۲۱ ق) که خود از طريق: ۱- فيل، احمد بن محمد (م.
 ۲۸۶، ۲۸۷ یا ۲۸۹ ق) و ۲- زَرَعان بن أحمد (سال وفات نامعلوم) از عمرو است.
 لذا به طور کلی مى‌توان گفت که طرق خلاف حفص تا عُبيد و عمرو، چهار طريق است:
 هاشمى، أبوطاهر، فيل و زرعان. و هريک از اين طرق، خود به طرق فرعى‌تر، براساس
 منابعى که اين طرق بدانها بر مى‌گردد، تقسيم مى‌شود که مجموع آنها، در نهايت، ۴۶ طريق
 (ر.ک: صفتى، ۲۰۰۵ م؛ ابن جزرى، بى‌تا: ۱/ ۱۵۸-۱۵۲) و ۴۵ طريق (ر.ک: ضباع، ۲۰۰۴ م)
 مى‌باشد. لازم به ذکر است که اين تحقيق بر اساس چهار طريق کلی تنظيم شده و به طرق
 فرعى‌تر به طور مستقيم نپرداخته است. هر چند اصرار بر آن است که هريک از طرق خلاف
 حفص، به طور مستقل مد نظر قرار گيرد، اما از نظر نويسنده، ذکر تک تک اين طرق در اين
 مقاله چندان مفيد نيست و در راستای هدف اين مقاله، ذکر خلاف طرق اصلی دوگانه و
 چهارگانه حفص، به طور کلی، کفايت مى‌کند.

۷- اختلاف کلی هر طریق

در ذیل اختلاف وجوه در موارد اختلافی براساس طرق اصلی و چهارگانه حفص ذکر می‌شود که در حقیقت، نوعی جمع‌بندی در هر طریق اصلی است تا معلوم شود که در هر طریق اصلی، موارد خلاف، به یک یا چند وجه خوانده شده است.

۱-۷. طریق عبید

۱-۷-۱. طریق عبید از هاشمی: این طریق مبتنی بر این ده منبع یا طریق است: الشاطبیه، المستنیر، غایة الاختصار، الجامع خیاط، المبهج، التیسیر، التذکره، التلخیص، الکامل (طریق مُلْجی، احمد بن محمد)، الکامل (طریق خَبَازی، علی بن محمد (م. ۳۹۸ ق)).

احکام این طریق در موارد خلاف چنین است:

۱- مد منفصل: توسط: ^[۴] ۵، فوق توسط: ^[۵] ۶.

۲- مد متصل: توسط: ۱، فوق توسط: ۴، طول: ۶.

۳- تکبیر ^[۶]: عدم تکبیر: ۱۰، تکبیر عام (مراد تکبیر در ابتدای همه سوره‌های قرآن بجز توبه): ۳، تکبیر آخر سور ختم ^[۷]: ۳.

۴- ساکن پیش از همزه ^[۸]: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۱۰.

۵- نون و تنوین نزد لام و راء ^[۹]: ادغام بدون غنه: ۹، ادغام با غنه: ۱.

۶- «ببسط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۹، به صاد: ۱.

۷- «بسطه» (اعراف: ۶۹): به سین: ۹، به صاد: ۱.

۸- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۹، به صاد: ۲.

۹- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۲، به صاد: ۸.

۱۰- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و

(نمل: ۵۹): ابدال همزه دوم به الف: ۱۰، تسهیل بین بین: ۳.

۱۱- «بلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۹، اظهار ثاء: ۱.

۱۲- «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام باء در میم: ۹، اظهار باء: ۱.

۱۳- «یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار نون: ۱۰.

۱۴- «لاتأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام نون ^[۱۰]: ۱۰، روم ^[۱۱] حرکت ضمه: ۲.

۱۵- «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۵، ادراج (عدم سکت): ۵.

- ۱۶- «مرقدنا» (یس: ۵۲) (در وصل): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۶
- ۱۷- «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۷، ادراج (ادغام و عدم سکت): ۳.
- ۱۸- «بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۷، ادراج (ادغام و عدم سکت): ۳.
- ۱۹- مدّ لین در «عین» از حروف مقطعه (مریم و شوری)، قصر: ۴، توسط: ۶، طول: ۳.
- ۲۰- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل)^[۱۳]: تفخیم: ۱۰، ترقیق: ۱.
- ۲۱- «فما آتانی» (نمل: ۳۶) (در وقف)^[۱۳]: اثبات یاء: (آتانی): ۵، حذف یاء: ۷.
- ۲۲- «ضعف و ضعفاً» (روم: ۵۴): فتح ضاد: ۹، ضم آن: ۳.
- ۲۳- «سلاسل» (انسان: ۴) (در وقف)^[۱۴]: اثبات الف: ۶، حذف الف: (سلاسل): ۶.

* تذکر

- ۱- دو وجهی‌ها بیشتر از «التیسیر» (دانی، ۱۴۰۴ ق) و «الشاطیبه» (شاطبی، ۱۴۲۶ ق) است.
- ۲- در این طریق، سکت بر ساکن ماقبل همزه، ادغام در یس و ن و مد متصل کمتر از مد منفصل وجود ندارد و در حقیقت، اکثر موارد به تمام وجوه مطرح خوانده است.
- ۳- مقدار مدّ لین در حرف عین، ارتباطی با مقدار مدّ منفصل یا متصل ندارد.
- ۱- ۲. طریق عبید از أبوطاهر: این طریق مبتنی بر ده منبع یا طریق ذیل است: کفایة السّت، الروضة، الإرشاد، المصباح، التذکار، التجرید (طریق فارسی، نصر بن عبدالعزیز (م. ۴۶۱ ق)، التجرید (طریق ابن الخیاط مالکی، علی بن محمد (م. ۴۵۰ ق))، الجامع خیاط، الكامل، الکفایة الکبری.

احکام این طریق در موارد خلاف چنین است:

- ۱- مد منفصل: توسط: ۸، فوق توسط: ۲.
- ۲- مد متصل: توسط: ۴، طول: ۶.
- ۳- تکبیر: عدم تکبیر: ۹، تکبیر عام: ۱، تکبیر آخر سور ختم: ۲.
- ۴- ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۸، سکت عام: ۲، سکت خاص: ۱.
- ۵- نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۹، ادغام با غنه: ۱.
- ۶- «بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۸، به صاد: ۲.
- ۷- «بصطة» (اعراف: ۶۹): به سین: ۸، به صاد: ۲.
- ۸- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۱۰.

- ۹- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۱، به صاد: ۹.
- ۱۰- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال: ۱۰، تسهیل: ۱.
- ۱۱- «یلهت ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۱۰، اظهار: ۲.
- ۱۲- «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۸، اظهار: ۲.
- ۱۳- «یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۱۰.
- ۱۴- «لا تأمنا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۱۰.
- ۱۵- «عوجاً» (کهف: ۱): سکت: ۱، ادراج (عدم سکت): ۹.
- ۱۶- «مرقدنا» (یس: ۵۲): سکت: ۱، ادراج (عدم سکت): ۹.
- ۱۷- «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۶.
- ۱۸- «بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۶.
- ۱۹- مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۶، توسط: ۵، طول: ۱.
- ۲۰- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم: ۸، ترقیق: ۲.
- ۲۱- «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): اثبات یاء: ۴، حذف آن: ۶.
- ۲۲- «ضعف و ضعفاً» (نمل: ۵۴): فتح ضاد: ۱۰.
- ۲۳- «سلاسلا» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۱، حذف الف: ۹.

* تذکر

این طریق در متصل فوق توسط ندارد و در «یس» و «ن»، فقط اظهار و در «لا تأمنا»، فقط اشمام و در «ضعف و ضعفاً»، فقط فتح و در «المصیطرون»، فقط سین دارد؛ به عبارت دیگر، این طریق، بیشتر موارد خلاف را به وجوه مختلف آنها خوانده است.

* در جمع بندی وضعیت اختلافی دو طریق عبید، معلوم می شود که در آن دو، قصر و فوق قصر و طول در مد منفصل و ادغام در «یس» و «ن» وجود ندارد.

۷-۲. طریق عمرو

۷-۲-۱. طریق عمرو از فیل: این طریق مبتنی بر چهارده منبع یا طریق ذیل است: المستنیر (طریق حمّامی، علی بن أحمد (م. ۴۱۷ هـ))، المستنیر (طریق طبری، ابراهیم بن أحمد (م. ۳۹۳ ق))، المصباح (طریق حمّامی)، المصباح (طریق ابن الخلیل، محمد بن أحمد)،

الكامل (طريق حمامی)، الكامل (طريق طبری)، الجامع الخياط، الكفاية الكبرى، غاية الاختصار، المبهج، التذكار، الوجيز، الروضة، روضة الحفاظ.

احكام اين طريق در موارد خلاف چنين است:

- ۱- مد منفصل: قصر: ۸، فوق قصر: ۴، توسط: ۳، فوق توسط: ۱.
- ۲- مد متصل: توسط: ۲، فوق توسط: ۱، طول: ۱۱.
- ۳- تكبير: عدم تكبير: ۱۴، تكبير عام: ۳، تكبير آخر سور ختم: ۵.
- ۴- ساكن پيش از همزه: تحقيق (بدون سكت) مطلقاً: ۱۴.
- ۵- نون و تنوين نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۱۱، ادغام با غنه: ۳.
- ۶- «بيصط» (بقره: ۲۴۵): به سين: ۹، به صاد: ۵.
- ۷- «بصطة» (اعراف: ۶۹): به سين: ۹، به صاد: ۵.
- ۸- «المصيطرون» (طور: ۳۷): به سين: ۱۰، به صاد: ۴.
- ۹- «بمصيطر» (غاشيه: ۲۲): به سين: ۳، به صاد: ۱۱.
- ۱۰- «الذكرين» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الان» (يونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (يونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال: ۱۴، تسهيل: ۳.
- ۱۱- «يلهث ذلك» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۱۴.
- ۱۲- «اركب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۹، اظهار: ۵.
- ۱۳- «يس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۱۴.
- ۱۴- «لاتأمننا» (يوسف: ۱۱): اشمام: ۱۴.
- ۱۵- «عوجاً» (كهف: ۱) (در وصل): سكت: ۴، ادراج (عدم سكت): ۱۰.
- ۱۶- «مرقدنا» (يس: ۵۲) (در وصل): سكت: ۲، ادراج (عدم سكت): ۱۲.
- ۱۷- «من راق» (قيامه: ۲۷): سكت: ۸، ادراج (عدم سكت): ۶.
- ۱۸- «بل ران» (مطففين: ۱۴): سكت: ۸، ادراج (عدم سكت): ۶.
- ۱۹- مد در «عين» (مريم و شوري): قصر: ۸، توسط: ۷، طول: ۲.
- ۲۰- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخيم: ۱۴.
- ۲۱- «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): اثبات ياء: ۱، حذف آن: ۱۳.
- ۲۲- «ضعف و ضعفاً» (روم: ۵۴): فتح ضاد: ۱۲، ضم آن: ۳.
- ۲۳- «سلاسلا» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۳، حذف آن: ۱۱.

تذکر:

این طریق سکت بر ساکن ندارد و در «یلهث ذلک»، فقط ادغام، در «یس و ن» فقط اظهار، در «فرق» فقط تفخیم و در «لاتأمنّا» فقط اشمام دارد.

۲-۲-۷. طریق عمرو از زرعان: این طریق مبتنی بر دوازده منبع یا طریق ذیل است: روضة الحفظ، الروضة، الجامع خیاط (طریق حمامی)، الجامع خیاط (طریق مصاحفی، عبیدالله بن عمر(م. ۴۰۱ ق))، المستنیر، غایة الاختصار، المصباح، التجرید، التذکار، الکفایة الکبری، جامع البیان دانی (فقط رفع الألغاز و النشر)، الروضة.

احکام این طریق در موارد خلاف چنین است:

- ۱- مد منفصل: قصر: ۳، فوق توسط: ۲، توسط: ۷.
- ۲- مد متصل: توسط: ۳، فوق توسط: ۱، طول: ۸.
- ۳- تکبیر: عدم تکبیر: ۱۲، تکبیر عام: ۱، تکبیر آخر سور ختم: ۱.
- ۴- ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۱۲، سکت عام: ۱.
- ۵- نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۱۲.
- ۶- «ببصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۶ به صاد: ۶.
- ۷- «ببصطة» (اعراف: ۶۹): به سین: ۶ به صاد: ۶.
- ۸- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۱۲.
- ۹- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۱۰، به صاد: ۳.
- ۱۰- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال: ۱۲.

- ۱۱- «یلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۱۲، اظهار: ۱.
- ۱۲- «ارکب معنا»: ادغام: ۹، اظهار: ۳.
- ۱۳- «یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۱، ادغام: ۱۱.
- ۱۴- «لاتأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۱۲، روم: ۱.
- ۱۵- «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۶، ادراج (عدم سکت): ۶.
- ۱۶- «مرقدنا» (یس: ۵۲) (در وصل): سکت: ۳، ادراج (عدم سکت): ۹.
- ۱۷- «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۶، ادراج (عدم سکت): ۶.

- ۱۸- «بل ران»: سکت: ۶، ادراج (عدم سکت): ۶
 ۱۹- مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۷، توسط: ۶، طول: ۱.
 ۲۰- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم: ۱۱، ترقیق: ۲.
 ۲۱- «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): اثبات یاء: ۱، حذف آن: ۱۱.
 ۲۲- «ضعف و ضعفاً» (نمل: ۳۶): فتح ضاد: ۲، ضم آن: ۱۰.
 ۲۳- «سلاسل» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۱، حذف آن: ۱۱.
 تذکر:

در این طریق ادغام در لام و راء، فقط بدون غنه و در «المصیطرون»، فقط سین و در باب «الذکرین»، فقط ابدال وجود دارد.
 در جمع‌بندی وضعیت اختلافی دو طریق عمرو آشکار می‌شود که در هر دو، تمام وجوه خلاف خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، طریق عمرو به طور کلی شامل تمام وجوه اختلافی است.

۸. جمع‌بندی طرق چهارگانه روایت حفص

مجموع وجوه خلاف طرق حفص در موارد ۲۳ گانه به شکل ذیل است:
 تکبیر: عدم تکبیر: ۴۵، تکبیر عام: ۸، تکبیر آخر سور ختم: ۱۱.
 مد منفصل: قصر: ۱۱، فوق قصر: ۴، توسط: ۲۳، فوق توسط: ۱۱.
 مد متصل: توسط: ۱۰، فوق توسط: ۶، طول: ۳۱.
 ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۴۴، سکت عام: ۳، سکت خاص: ۱.
 نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۴۱، ادغام با غنه: ۵.
 «بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۳۳، به صاد: ۱۴.
 «بصطه» (اعراف: ۶۹): به سین: ۳۳، به صاد: ۱۴.
 «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۴۱، به صاد: ۶.
 «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۱۶، به صاد: ۳۲.
 «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال: ۴۶، تسهیل: ۷.
 «یلهث ذلک»: ادغام: ۴۵، اظهار: ۴.
 «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۳۵، اظهار: ۱۱.

«یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۳۵، ادغام: ۱۱.
 «لاتأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۴۶، روم: ۱.
 «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۱۶، ادراج (عدم سکت): ۳۰.
 «مردنا» (یس: ۵۲) (در وصل): سکت: ۱۰، ادراج (عدم سکت): ۳۶.
 «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۲۵، ادراج (عدم سکت): ۲۱.
 «بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۲۵، ادراج (عدم سکت): ۲۱.
 مد در «عین»: قصر: ۲۵، توسط: ۲۴، طول: ۷.
 «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم: ۴۱، ترقیق: ۵.
 «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): اثبات یاء: ۱۱، حذف آن: ۳۷.
 «ضعف و ضعفاً» (روم: ۵۴): فتح ضاد: ۳۳، ضم آن: ۱۶.
 «سلاسلا» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۱۱، حذف آن: ۳۷.
 تذکر:

با توجه به وجوه مذکور نزد هر مورد و برای تمام طرق حفص، آشکار می‌شود که به طور کلی، تمام وجوه در همه موارد برای حفص جائز است و چنین گستردگی در طریق کلی عمرو نیز وجود دارد.

۹. اختلاف طرق بر اساس نوع مد منفصل

همچنان که ملاحظه می‌شود، طرق خلاف حفص، دارای پنج وجه کلی (اصول) تکبیر، مد منفصل، مد متصل، ساکن پیش از همزه و ادغام در لام و راء و بقیه جزئی (فرش الحروف) هستند.

از سویی دیگر، از قواعد بسیار متداول قرائت قرآن، قواعد مد منفصل و متصل است؛ از این رو، می‌توان یکی از این دو نوع مد را مبنا و اساس جمع‌بندی اختلاف طرق حفص دانست که معمولاً برای این کار، مد منفصل در نظر گرفته می‌شود؛ برای مثال، گفته می‌شود که اگر در روایت حفص به مد منفصل خوانده شود که از آن فلان طریق و فلان طریق است، در وجوه دیگر نیز باید چنین و چنان کرد؛ لذا در ذیل این طرق بر اساس مد منفصل، جمع‌بندی می‌شود تا معلوم گردد بر اساس مد منفصل و طرق قائل بدان، دیگر وجوه اختلافی طرق حفص متکی بر این نوع مد، چگونه خوانده شده‌اند تا در نهایت معلوم شود قرائت به چه نوع مد منفصلی، در دیگر موارد اختلافی چه وجوه خلافی دیگر دارد.

وجوه خلاف طرق حفص بر اساس انواع مدهای منفصل چنین است:

۹- ۱. قصر: این وجه مد از طرق ذیل نقل شده است:

الف) فیل: این طریق مبتنی بر هفت منبع یا طریق ذیل است: المستنیر (طریق حمّامی)، المصباح (طریق حمّامی)، الکامل، الجامع خیاط، الکفایة الکبری، غایة الاختصار، الروضة.
ب) زرعان: این طریق مبتنی بر سه منبع یا طریق ذیل است: روضة الحافظ، الجامع خیاط، الروضة.

احکام این طرق در دیگر موارد خلاف، چنین است:

تکبیر: عدم تکبیر: ۱۱، تکبیر عام: ۲، تکبیر آخر سور ختم: ۳.

مد متصل: توسط: ۲، طول: ۹.

ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۱۱.

نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۱۰، ادغام با غنه: ۱.

«بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۶، به صاد: ۵.

«بصطة» (اعراف: ۶۹): به سین: ۶، به صاد: ۵.

«المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۱۰، به صاد: ۱.

«بمصیطر»: به سین: ۳، به صاد: ۸.

«الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل:

۵۹): ابدال: ۱۰، تسهیل: ۱.

«یلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۱۱.

«ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۸، اظهار: ۳.

«یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۸، ادغام: ۳.

«لاتأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۱۱.

«عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۷.

«مرقدنا» (یس: ۵۲) (در وصل): سکت: ۱، ادراج (عدم سکت): ۱۰.

«من راق» (قیامه: ۲۷) (در وصل): سکت: ۵، ادراج (عدم سکت): ۶.

«بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۵، ادراج (عدم سکت): ۶.

مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۷، توسط: ۵، طول: ۱.

- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم: ۱۱.
 «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): حذف یاء: ۱۱.
 «ضعف و ضعفاً» (روم: ۵۴): فتح ضاد: ع ضم آن: ۵.
 «سلاسل» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۱، حذف آن: ۱۰.

تذکر:

- ۱- وجه قصر در منفصل فقط از طریق کلی عمرو می‌باشد.
 ۲- با توجه به مطالب بالا، در صورت قرائت روایت حفص به مد منفصل، تمام وجوه مطرح در موارد خلاف را می‌توان آورد، بجز موارد ذیل: ۱- عدم مد متصل کمتر از توسط و فوق توسط، ۲- عدم سکت بر همزه، ۳- عدم اظهار در «یلهث ذلک»، ۴- عدم روم در «لاتأمننا»، ۵- عدم ترقیق در «فرق»، ۶- عدم اثبات الف در «فما آتان». بدین ترتیب، موارد تک وجهی در دیگر موارد خلاف قرائت به وجه قصر در منفصل، ۵ مورد می‌باشد.

- ۹-۲. فوق قصر: این وجه مد، فقط از فیل و مبتنی بر چهار منبع یا طریق ذیل است: الکامل (که وجه قصر هم دارد)، غایه الاختصار (که وجه قصر هم دارد)، المبهج، التذکار. احکام این طریق در دیگر موارد خلاف چنین است:
- ۱- تکبیر: عدم تکبیر: ۳، تکبیر عام: ۳، تکبیر آخر سور ختم: ۲.
 - ۲- مد متصل: طول: ۴.
 - ۳- ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۴.
 - ۴- نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۳، ادغام با غنه: ۱.
 - ۵- «بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۳، به صاد: ۱.
 - ۶- «بصطه» (اعراف: ۶۹): به سین: ۳، به صاد: ۱.
 - ۷- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۴.
 - ۸- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به صاد: ۴.
 - ۹- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال: ۴، تسهیل: ۱.
 - ۱۰- «یلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۴.

- ۱۱- «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۳، اظهار: ۱.
- ۱۲- «یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۴.
- ۱۳- «لاتأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۴.
- ۱۴- «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۱، ادراج (عدم سکت): ۳.
- ۱۵- «مرقدنا» (یس: ۵۲) (در وصل): ادراج (عدم سکت): ۴.
- ۱۶- «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۲، ادراج (عدم سکت): ۲.
- ۱۷- «بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۲، ادراج (عدم سکت): ۲.
- ۱۸- مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۲، توسط: ۲، طول: ۱.
- ۱۹- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم: ۴.
- ۲۰- «فما آتان» (نمل: ۳۶) (در وقف): اثبات یاء: ۱، حذف آن: ۳.
- ۲۱- «ضعف و ضعفاً» (نمل: ۵۴): فتح ضاد: ۴.
- ۲۲- «سلاسل» (انسان: ۴) (در وقف): اثبات الف: ۱، حذف آن: ۳.

تذکر:

- ۱- وجه مد منفصل فقط از طریق یکی از طرق عمرو یعنی فیل می باشد.
- ۲- این وجه در: ۱- مد متصل، فقط طول، ۲- «المصیطرون»، فقط سین، ۳- «بمصیطر»، فقط صاد، ۴- «یلهث ذلک»، فقط ادغام، ۵- در «یس و نون»، فقط اظهار، ۶- «لاتأمنّا»، فقط اشمام، ۷- «مرقدنا»، فقط ادراج، ۸- «فرق»، فقط تفخیم و ۹- «ضعف و ضعفاً»، فقط فتح دارد.
- بدین ترتیب، موارد تک وجهی در دیگر موارد خلاف قرائت به وجه فوق قصر در منفصل، ۹ مورد می باشد.

۹-۳. مد منفصل: توسط، از طرق ذیل نقل شده است:

- الف) هاشمی: این طریق مبتنی بر پنج منبع یا طریق ذیل است: الشاطبیه، المستنیر، غایه الاختصار، الجامع خیاط، المبهج.
- ب) أبوطاهر: این طریق مبتنی بر هفت منبع یا طریق ذیل است: کفایه الست، الروضة، الإرشاد، المصباح، التذکار، التجرید، الجامع خیاط.
- ج) فیل: این طریق مبتنی بر سه منبع یا طریق ذیل است: المستنیر، المصباح، الکامل.

(د) زرغان: این طریق مبتنی بر هفت منبع ذیل است: الروضة، الجامع خیاط، المستنیر، غایه الاختصار، المصباح، التجرید، التذکار.

احکام این طرق در دیگر موارد خلاف چنین است:

- ۱- تکبیر: عدم تکبیر مطلقاً: ۲۳، تکبیر عام: ۳، تکبیر اول سور ختم: ۵
- ۲- مد متصل: توسط: ۷، فوق توسط: ۱، طول: ۱۵.
- ۳- ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۲۱، سکت عام: ۳، سکت خاص: ۱.
- ۴- نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۲۲، ادغام با غنه: ۱.
- ۵- «بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۱۷، به صاد: ۶
- ۶- «بصطه» (اعراف: ۶۹): به سین: ۱۷، به صاد: ۶
- ۷- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۲۱، به صاد: ۲.
- ۸- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۷، به صاد: ۱۷.
- ۹- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و (نمل: ۵۹): ابدال به الف: ۲۳، تسهیل: ۳.
- ۱۰- «یلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۲۳، اظهار: ۳.
- ۱۱- «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۱۸، اظهار: ۵.
- ۱۲- «بیس و القرآن» و «نون و القلم»: اظهار نون: ۱۷، ادغام: ۶
- ۱۳- «لا تأمنّا» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۲۳، روم: ۱.
- ۱۴- «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۸، عدم سکت (ادراج): ۱۵.
- ۱۵- «مروقدنا» (یس: ۵۲) (در وصل): سکت: ۵، عدم سکت (ادراج): ۱۸.
- ۱۶- «من راق» (قیامه: ۲۷): سکت: ۱۴، عدم سکت: ۹.
- ۱۷- «بل ران» (مطففین: ۱۴): سکت: ۱۴، عدم سکت: ۹.
- ۱۸- مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۱۴، توسط: ۹، طول: ۲.
- ۱۹- «فرق» (شعراء: ۶۴) (در وصل): تفخیم راء: ۲۰، ترقیق: ۴.
- ۲۰- «فما آتانی» (نمل: ۳۶) (در وقف): حذف یاء: ۱۸، اثبات آن: ۶
- ۲۱- «ضعف و ضعفاً» (روم: ۵۴): فتح ضاد: ۱۸، ضم آن: ۶
- ۲۲- «سلاسل» (انسان: ۴) (در وقف): حذف الف: ۲۲، اثبات آن: ۲.

تذکر:

۱- این وجه مد منفصل از هر دو راوی اصلی حفص یعنی عبید و عمرو و چهار طریق فرعی این دو نقل شده است.

۲- این وجه شامل تمام وجوه مختلف در تمام موارد خلاف است.

۹-۴. مد منفصل: فوق توسط، از طریق ذیل نقل شده است:

الف) هاشمی: این طریق مبتنی بر چهار منبع یا طریق ذیل است: التیسیر، التذکره، التخلیص، الکامل.

ب) أبوطاهر: این طریق مبتنی بر دو منبع یا طریق ذیل است: الکامل، الکفایة الکبری.

ج) فیل: این طریق فقط مبتنی بر منبع یا طریق الوجیز است.

د) زرغان: این طریق مبتنی بر دو منبع یا طریق ذیل است: الکفایة الکبری، جامع البیان دانی. احکام این طرق در موارد خلاف چنین است:

۱- تکبیر: عدم تکبیر: ۱۰، تکبیر عام: ۳، تکبیر آخر سور ختم: ۳.

۲- مد متصل: فوق توسط: ۵، طول: ۵.

۳- ساکن پیش از همزه: تحقیق (بدون سکت) مطلقاً: ۱۰.

۴- نون و تنوین نزد لام و راء: ادغام بدون غنه: ۶، ادغام با غنه: ۴.

۵- «بیصط» (بقره: ۲۴۵): به سین: ۷، به صاد: ۳.

۶- «بصطة» (اعراف: ۶۹): به سین: ۶، به صاد: ۴.

۷- «المصیطرون» (طور: ۳۷): به سین: ۸، به صاد: ۲.

۸- «بمصیطر» (غاشیه: ۲۲): به سین: ۵، صاد: ۵.

۹- «الذکرین» (انعام: ۱۴۳ و ۱۴۴)، «الآن» (یونس: ۵۱ و ۹۱)، «الله» (یونس: ۵۹) و

(نمل: ۵۹): ابدال: ۱۰، تسهیل: ۴.

۷۷

۱۰- «بلهث ذلک» (اعراف: ۱۷۶): ادغام: ۹، اظهار: ۱.

۱۱- «ارکب معنا» (هود: ۴۲): ادغام: ۷، اظهار: ۳.

۱۲- «یس و القرآن» و «ن و القلم»: اظهار: ۸، ادغام: ۲.

۱۳- «لاتأمنأ» (یوسف: ۱۱): اشمام: ۱۰، روم: ۲.

۱۴- «عوجاً» (کهف: ۱) (در وصل): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۶.

- ۱۵- «مَرْقَدْنَا» (یس:۵۲): سکت: ۴، ادراج (عدم سکت): ۶
- ۱۶- «مَنْ رَاقٍ» (قیامه:۲۷): سکت: ۵، ادراج (عدم سکت): ۵.
- ۱۷- «بَلْ رَانَ» (مطففین:۱۴): سکت: ۵، ادراج (عدم سکت): ۵.
- ۱۸- مد در «عین» (مریم و شوری): قصر: ۳، توسط: ۹، طول: ۴.
- ۱۹- «فَرَق» (شعراء:۶۴) (در وصل): تفخیم: ۱۰، ترقیق: ۱.
- ۲۰- «فَمَا آتَانِ» (نمل:۳۶) (در وقف): اثبات یاء: ۴، حذف آن: ۷.
- ۲۱- «ضَعْفٌ وَ ضَعْفًا» (روم:۵۴): فتح ضاد: ۷، ضم آن: ۵.
- ۲۲- «سَلَسَلَا» (انسان:۴) (در وقف): اثبات الف: ۹، حذف آن: ۲.

تذکر:

- ۱- این وجه مد منفصل نیز از سوی همه طرق حفص نقل شده است.
- ۲- در این وجه مد منفصل، همه وجوه موارد خلاف وجود دارد، بجز در مد متصل که فقط فوق توسط و در همزه فقط عدم سکت وجود دارد و در حقیقت، بدین وجه نیز اگر خوانده شود، تقریباً تمام وجوه خلاف آورده می‌شود.

۱۰. بررسی ضرورت تفکیک و افراد در طرق خلاف روایت حفص

با توجه به نظر اهل تفکیک حتی در طرق خلاف یک راوی مانند حفص، هر بار که قرآن خوانده می‌شود، حتماً باید از ابتدا تا انتهای قرائت، به یکی از ۴۶ طریق عمل کرد و نباید از طریقی به طریقی دیگر عدول نمود؛ زیرا حتی طریقی مثل طرق هاشمی در نحوه خواندن موارد ۲۳ گانه با هم اختلاف دارند. اما حقیقتاً چنین تفکیک و افرادی لازم و ضروری است؟ از نظر نویسندگان چنین امری به دلایلی که در ادامه ذکر می‌شود، لازم و ضروری نیست.

۱- کسانی که به عدم ترکیب و خلط معتقدند، روش‌هایی برای جمع میان قرائت‌ها و روایت‌ها به گونه‌ای که از شائبه ترکیب به دور باشد، ابداع کرده‌اند؛ مانند: جمع به حرف، جمع به وقف، جمع به روش صفاقسی و جمع به آیه (برای تفصیل بیشتر، ر.ک: ابن جزری، بی‌تا، ۲/ ۲۰۶-۲۰۲؛ بستانی، افراد و جمع قرائات قرآنی، ۵۳- ۴۷) و حتی جمع در اجزای یک آیه که خود در نهایت با ترکیب و خلط، چندان فاصله‌ای ندارد.

۲- طرق هر قاری از نظر فرد (حقیقی) و نیز از نظر کتاب مرجع (حقوقی) زیاد و متنوع است. گاهی از یک طریق در کتاب‌های مختلف، اختلاف روایت شده است و افراد و تفکیک

تمام طرق خلاف، امری صعب است و هر قاری ناچار است فقط به یک طریق خلاف را بخواند، مگر اینکه بخواهد حتی در طرق قرائت حفص از روش جمع استفاده کند و این کار بر صعوبت عمل می‌افزاید. این در حالی است که تمام موارد خلافی طرق حفص، همچنان که آمد، قابل ترکیب با یکدیگر بوده و از نظر معنایی بر هم مرتب نیستند.

۳- از سویی دیگر، چنان که ملاحظه شد، به رغم تعدد طرق، نهایت این اختلاف اصولی و فرش الحروفی بسیار محدود و دایر مدار چند موضوع است. همچنین دو طریق اصلی حفص؛ یعنی عبید از دو طریقه (هاشمی و أبوطاهر) و عمرو از دو طریقه (فیل و زرعان) و نیز برخی از طرق کتابی مانند «التیسیر» و «الشاطیبه» به تمام وجوه یک مورد خلافی خوانده‌اند.

همچنین بر اساس ملاک مد منفصل، در وجه مد منفصل به توسط، می‌توان تمام وجوه موارد خلاف را آورد. همچنین در وجه مد منفصل به فوق توسط به استثنای دو مورد که یک مورد آن، یعنی سکت بر همزه، کلاً معمول نیست، لذا عملاً فقط یک مورد استثنا دارد.

۴- در حال حاضر، بیشتر کتاب‌های تجویدی، بر اساس دو طریق «التیسیر» و «الشاطیبه» نوشته می‌شود که در حقیقت، منظومه التیسیر با اضافاتی می‌باشد و بدین امر نیز اکثراً تصریح می‌شود و در آنها، فقط موارد اختلاف این دو طریق را ذکر می‌کنند که عموماً به صورتی است که گویا می‌توان میان این خلاف‌ها جمع کرد. ضمن اینکه بیشتر موارد خلافی در این دو کتاب، به تمام وجوه قرائت آن آمده است.

برخی کتب تجویدی (غوثانی؛ ۱۴۲۵ ق؛ نصر، ۱۴۲۰ ق؛ محیسن، الرائد، ۱۴۲۲ ق؛ و مرشد المرید، ۱۴۲۲ ق؛ حصری، ۱۹۹۹ م، که کتابش ناظر بر «الشاطیبه» و «طیبة النشر» است؛ خاروف، ۱۹۹۵ م؛ که کتابش ناظر بر «الشاطیبه»، «الدرة» و «الطیبة» ابن جرزی است) نیز تمام موارد خلاف حفص را با تمام وجوه قرائتی آن موارد، بدون اشاره به طرق خلاف او ذکر کرده‌اند که نشانگر آن است که می‌توان بدون توجه علمی و نظری به طرق خلاف حفص، قرآن را به تمام موارد خلاف آن در یک قرائت خواند و بین آنها ترکیب نمود؛ [هرچند برخی مانند مرصفی (ر. ک: مرصفی) خود را ملزم به رعایت اختلاف طرق حفص، هر یک به طور مجزا و مستقل بر اساس کتاب قرائت خاصی می‌دانند].

۱۱. نتیجه‌گیری

ظاهراً در ترکیب و خلط، حساسیت امر، بیشتر متوجه ترکیب بین روایت‌های اصلی از یک قاری یا بین قرائت‌های مشهور است نه طرق فرعی یک روایت، به‌ویژه آنکه تعداد موارد خلاف طرق حفص، به جز در کلیات آن، بسیار اندک است؛ برای مثال، در کل سوره بقره فقط یک مورد خلافی وجود دارد و ملاحظه چنین موارد معدودی در قرائت به یک روایت، موجب مشقت بوده و برای استیفای قرائت روایت حفص، باید ده‌ها بار قرآن را ختم کرد هر بار به طریقی، تا گفته شود روایت حفص خوانده شده است. لذا در این نوع اختلاف، بیشتر وقت و ذهن متعلم به آموختن یک سری اسامی افراد و کتاب‌ها و تلاش در تفکیک میان آنها برای موارد معدودی که در نهایت به بیش از دو وجه اختلافی برنمی‌گردد، مشغول می‌شود؛ به عبارتی دیگر، اختلاف طرق در نهایت چندان زیاد نیست و اصرار بر تفکیک طرق به جهت موارد اختلافی معدود، موجب تشتت فکر و عمل می‌شود و سهولت و تیسیر در امر قرائت قرآن را مختل می‌کند. این در حالی است که هیچ‌یک از این موارد خلاف، از نظر معنا بر دیگری مترتب نمی‌باشد و به گونه‌ای نیست که معنای یکی متفاوت از معنای دیگری باشد و لازم باشد به جهت رعایت معنا از خلط طرق خودداری کرد. همچنان‌که در تمام طرق اصلی خلاف حفص، یعنی عبید و عمرو، می‌توان به تمام وجوه موارد خلافی خواند؛ لذا اصرار بر افراد در روایت حفص و قرائت آن بر اساس طرق به طور مستقل، امری غیر ضروری می‌باشد و در صورت اصرار بر آن می‌توان با قرائت بر اساس وجه توسط در مد مفصل، تمام موارد خلاف حفص را به تمام وجوه یا به یک وجه خواند.

به نظر می‌رسد، آشنایی با اختلافات طرق، با قرائت بر اساس هر طریق و عدم ترکیب فرق دارد. آنچه در علم ملزم بدان هستیم، به معنای الزام در عمل نیست؛ چه بسا، هنگام تعلّم باید اختلافات طرق یک روایت دانسته شود، اما در عمل و قرائت نیازی به افراد هر طریق نیست، بلکه به نظر می‌رسد آشنایی کلی با اختلاف طرق یک روایت آن نیز بنابر کتاب قرائتی معتبر (از قبیل التیسیر و الشاطیبه، النشر و الطیبه) کفایت می‌کند، بدین گونه که دانسته شود که برای مثال کلا حفص از طرق مختلفش در آن کتاب‌ها، در یک مورد به چند وجه خوانده است و همه آن وجوه، وجوه خود حفص دانسته شود و مجاز به ترکیب میان طرق باشیم و همان تفکیک میان راویان یک قرائت کفایت می‌کند.

پی‌نوشت

[۱] مانند «جزء» که به قرائت شعبه به ضم زاء و دیگران سکون آن است که در این صورت، می‌توان مثلاً در تلاوت به روایت حفص، این کلمه را به ضم زاء هم خواند و اشکال معنایی ایجاد نمی‌شود.

[۲] مانند «فتلقى آدم من ربه كلمات» (بقره: ۳۷) که ابن کثیر به نصب «آدم» و رفع «کلمات» و دیگران بالعکس به رفع «آدم» و نصب «کلمات» (به تنوین جر) خوانده‌اند که در این صورت نمی‌توان «آدم» را به نصب به قرائت ابن کثیر و «کلمات» را نیز به نصب به قرائت دیگران خواند. این امر منجر به اشکال معنایی می‌شود؛ زیرا نصب هر دو امکان ندارد.

[۳] باید متذکر شد که جامع البیان فقط در (صفتی، ۲۰۰۵م، ۱۲۱) و بدون تصریح به نامش ذکر شده است. این منبع و طریق در «النشر» نیز بدون تصریح به نامش ذکر شده است که بنابر تحقیق، آشکار شده که مراد جامع البیان دانی است.

[۴] این عدد، دلالت بر طرق یا به عبارت دیگر، منابعی دارد که بدین وجه خوانده‌اند. در اینجا، یعنی ۵ طریق از طرق ده‌گانه فوق، برای هاشمی به توسط خوانده‌اند.

[۵] جمع اعداد، در هر مورد، اگر بیشتر از تعداد طرق یا منابع شوند، این امر، نشانگر بیش از یک وجه بودن برخی از طرق می‌باشد و در اینجا نشانگر آن است که یکی از طرق، هم به توسط و هم به فوق توسط خوانده است.

[۶] تکبیر به سه صیغه ذیل است: ۱. اللَّهُ أَكْبَرُ، ۲. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ (با تقدیم تهلیل)، ۳. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ (با تقدیم تهلیل و تأخیر تحمید). حفص فقط از صیغه نخست استفاده می‌کند، مگر در سوره‌های ختم (سوره‌های کوتاه از الضحی تا الناس) که برخی از متأخران از صیغه سوم استفاده کرده‌اند و عدم تکبیر روش اکثر می‌باشد (ابن الجزری، بی‌تا، ۲/ ۴۲۹ به بعد؛ ضیاع، ۵۸؛ صفتی، ۲۰۰۵م، ۲۸).

[۷] مراد از سوره و الضحی تا الناس است که به دو شکل صورت می‌گیرد: الف) تکبیر قبل از سوره، ب) تکبیر بعد از سوره.

[۸] در روایت حفص:

الف) سکت بر تمام ساکن‌های قبل از همزه حتی اگر در وسط کلمه باشد (سکت عام)،
ب) سکت فقط بر الف و لام تعریف قبل از همزه و یاء شیء و ساکن مفعول (بین دو کلمه که اول کلمه بعد همزه باشد، سکت خاص)

ج) عدم سکت که روش اکثر است (ابن جزری، بی تا، ۱/ ۴۲۸ - ۴۱۹؛ ضباع، ۶۸؛ صفتی، ۲۰۰۵م، ۳۰).

[۹] اکثر در روایت حفص به عدم غنه در ادغام نون ساکن در لام و راء قائل اند و برخی نیز به ادغام با غنه راء و لام (خواه ساکن در رسم الخط ظاهر باشد، مانند «فإن لم تفعلوا» (بقره: ۲۴) و خواه در رسم الخط به ادغام نگاشته شده باشد، مانند آلن نجعل لکم موعداً» (کهف: ۴۸) و برخی مانند ابن جزری، فقط به ادغام با غنه در راء و لام اگر در رسم الخط ظاهر باشد، عمل می کنند (ابن جزری، بی تا، ۲/ ۲۲ به بعد، ضباع، ۷۲؛ صفتی، ۲۰۰۵م، ۳۷ - ۳۶).

[۱۰] مراد از اشمام در اینجا، غنچه کردن لبها - همچنان که در ادای ضمه است - هنگام ادای نون مشدد می باشد و این کار به قصد اشاره به اصل وجود ضمه در این کلمه است؛ زیرا اصل این کلمه «لا تأمننا» می باشد (ضباع، ۸۵؛ صفتی، ۲۰۰۵م، ۴۴).

[۱۱] به روم، در اینجا اخفاء نیز گفته می شود و آن ادای یک سوم حرکت ضمه یا تضعیف آن است (ابن جزری، بی تا، ۱/ ۳۰۴-۳۰۳؛ ضباع، ۸۵؛ صفتی، ۲۰۰۵م، ۴۴؛ بستانی، تجوید کاربردی، ۷۷-۸۲).

[۱۲] در حالت وقف، کسی درباره نحوه ادای راء سخنی نگفته است و ظاهراً از آنجا که در وقف، قاف (حرف استعلاء) ساکن می شود و سبب ترقیق راء که کسر قاف باشد، از بین می رود، راء تفخیم می شود و یکی از مصادیق این حکم تجویدی؛ یعنی تفخیم راء ساکن ماقبل مکسور در صورتی که مابعد آن حرف استعلاء و در یک کلمه باشد، خواهد بود.

[۱۳] این کلمه در وصل و در روایت حفص، به یاء مفتوح خوانده می شود (ابن جزری، بی تا، ۲/ ۱۸۸).

[۱۴] این کلمه در وصل و در روایت حفص، به فتح لام بدون الف خوانده می شود (همان، ۲/ ۳۹۴).

کتابنامه

۱. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، بی تا.
۲. بستانی، قاسم، افراد و جمع قرائت‌های قرآنی، اهواز: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
۳. بستانی، قاسم، تجوید کاربردی (قرائت عاصم)، اهواز: انتشارات مؤسسه فرهنگی آیات، ۱۳۷۵ ش.
۴. خاروف، محمد فهد، المیسر فی القرائات الأربعة عشره، مراجعه محمد کریم راجح، بیروت: دار ابن کثیر- دار الکلم الطیب، ۱۹۹۵ م.
۵. حصری، محمود خلیل، احکام قرائة القرآن، تحقیق محمد طلحه بلال منیار، مکتبه المکیه - دار البشائر الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۹۹۹ م.
۶. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، تحقیق اوتو تریزل، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۹۸۴ م.
۷. شاطبی، قاسم بن فیره، الشاطبیه (حرز الأمانی ووجه التهانی فی القرائات السبع)، تحقیق محمد تمیم الزعبی، بی جا: مکتبه دار الهدی ودار الغوثانی للدراسات القرآنیة، چاپ چهارم، ۱۴۲۶ ق.
۸. صفی، حمدالله بن حافظ، رفع الألفاز عن طرق حفص بن سلیمان البرّار، بی جا: مکتبه أولاد الشیخ للتراث، ۲۰۰۵ م.
۹. ضباع، علی بن محمد، صریح النص فی الکلمات المختلف فیها عن حفص، مکتبه أولاد الشیخ للتراث، ۲۰۰۴ م.
۱۰. غوثانی، یحیی عبدالرزاق، علم التجوید، دمشق: دارالغوثانی، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. کحاله، عمر، معجم المؤلفین، بیروت: مکتبه المثنی - دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۲. محیسن، محمد سالم، الرائد فی تجوید القرآن، قاهره: دار محیسن للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. المرشد المرید إلى علم التجوید، قاهره: دار محیسن للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. مرصفی، عبدالفتاح السید عجمی، هداية القاری إلى تجوید كلام الباری، بی جا: بی تا (آخرین ویراستاری ۱۳۹۹ ق).

۱۵. موسوی بلده، سید محسن، حلیۃ القرآن (سطح ۲)، تهران: إحياء کتاب، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. نصر، محمد مکی جریسی، نهاییه القول المفید فی علم التجوید، تحقیق شیخ طه عبدالرؤوف سعد، مکتبه الصفا، ۱۴۲۰ ق.